

بقلم دکتر فاطمه سیاح

استاد دانشکده طهران

زن و انتخابات در ایران

اصلاح قانون انتخابات که اخیراً در مجلس شورای ملی مطرح است نهضت سیاسی زنان را هم بخود جلب نموده است. پیشنهاد هائی از جانب چندین نفر از وکلای رجال سیاسی و حزب‌بزرگان ایران درباره حق انتخاب کردن و انتخاب شدن زنان شده است، بدیهی است که این موضوع دقت عموم را جلب کرده و سلسله‌ای از مقالات روزنامه‌ها و مجلات پایتخت درباره آن انتشار یافته است.

حل مسائل اجتماعی قطعیت و صراحت علمی را فاقد است و بهمین دلیل باید منتظر بود که اختلاف نظریه در مسائل مزبور پیش آید. اینست که با بیطرفی بیشتر و تا حدی با تحمل نظریه‌های گوناگون بدلیلی که بر له و بر علیه این موضوع اقامه میشود باید گوش دهیم.

برای مثال چند نمونه از مقاله آقای حسن تزیه را که اخیراً در مجله آینده انتشار داده‌اند نقل میکنیم.

«بطوریکه ما میدانیم از لحاظ روانشناسی زن هیچ نوع استعدادی برای احراز مقامات سیاسی ندارد.»

کافی است در جواب چند نام تاریخی از قبیل ملکه الیزابت - ویکتوریا - ماری تریز - کاترین کبیر و غیره را ذکر کنیم و از زنان زمامدار کنونی سخنی نگوئیم.

در ایران از روی تجربه تابحال استعداد سیاسی زنان را امتحان نموده‌اند چونکه هیچ نوع کار سیاسی با آنها واگذار نکرده‌اند.

میگویند «زن بیش از مرد بنده هوا و هوس است. در او حس جاه طلبی و حسد و غرور از مرد بیشتر است. حال اگر با او اجازه داده شود که در انتخابات شرکت جوید يك جار و جنجال عظیمی در عالم زنان برپا میشود زیرا هم مرد نظر آنها را جلب میکند و هم اینکه هر زن حتماً میل دارد از سایرین خود را برتر نشان دهد و در نتیجه نه فقط

زنان بلکه دوشیزگان از دبیرستان‌ها و حتی دختران دبستانها فقط يك آرزو را در جلو دیده خواهند داشت « و کیل مجلس شدن » و وظائف طبیعی خود را از قبیل مادری و سایر وظائف خانوادگی را یا کاملاً فراموش میکنند یا آنها را بی اهمیت تلقی مینمایند .

متأسفانه اگر این قضاوت در قرون وسطی انجام می یافت بجا بود وقتی که « توماس داکون » ما را صاف و ساده شعله شیطان مینامید ، با این تفاوت که آن مرحوم هفت قرن قبل میزیسته است .

حقیقهٔ جواب دادن باین عقاید مصداق مثل معروف روسی است که میگوید « توپ به گنجشک نباید بست » میتوان گفت برای ما بسیار مفید بود اگر همه دشمنان نهضت زنان فقط دلایلی نظیر دلایل آقای تزیه بکار میبردند زیرا اینگونه دلایل بنفع ما تمام میشود .

اما دلایل جدی مخالفان حقوق سیاسی زنان بقراره زیر است :

۱ - مملکت ما که نسبت بوسعت خود کم جمعیت دارد و بچه‌های ما از تربیت صحیح محروم هستند زنان ما بیشتر باید مشغول وظیفه طبیعی خود یعنی وظیفه تربیت اطفال و ازدیاد نسل بشوند .

۲ - زنان ما بر شد فکری کافی نرسیده اند که بآنها اجازه داده شود در کارهای سیاسی و در مجلس شورای ملی شرکت نمایند .

ثابت کردن نقص عقیده اول بسیار آسان است ، زیرا اشتغال بامور سیاسی لطمه بوظایف طبیعی آنها وارد نمیکند و هیچ نوع تأثیر مضرى بر نسل نمی نماید . کافی است اگر کشورهای را من باب مثال ذکر کنیم که در آنها هم تربیت اطفال بسیار کامل است و هم نسل رو باز دیاد است در حالیکه تساوی حقوق زنان با مردان وجود دارد ، مانند انگلستان - روسیه شوروی - ممالک اسکاندیناوی - ممالک متحده امریکا - ترکیه وغیره و بالعکس کشورهای زیادی هستند که هم فاقد تربیت صحیح میباشند و هم نسل آنها رو بانقراض است و زنان هم هیچگونه حق سیاسی ندارند مثلاً از لحاظ نقصان در جمعیت مملکت فرانسه را ذکر میکنیم و برای هر دو یعنی هم نقصان جمعیت و هم

نقص در تربیت قسمت عمده ممالک شرقی را میتوان با آوری کرد منجمله مملکت خودمان! بعکس نهضت زنان همیشه نموداری است از ترقی سطح فرهنگ ملت و ترقی فرهنگ هر ملتی بستگی کامل با اصول اجتماعی و اقتصادی دارد و اصول مزبور اگر روبراه باشد ترقی ملتی هم از لحاظ تربیت امکان میپذیرد.

دلیل دوم فقط ارتباط بزندهای ایرانی دارد و با اصول نهضت بانوان بطور کلی تبیینی ندارد. دلیل پیروان این عقیده این است که زنان ایرانی هنوز تربیت کافی نیافته اند اکثریت ثابتی با اعتقاد این عقیده مخالف نهضت زنان ایران هستند و اصرار دارند که زنان ابتدا باید بوظایف طبیعی خود بپردازند و بعد خود را مهبای حقوق سیاسی نمایند. نهضت بانوان باید از این راه حل شود که آیا با شرایط فعلی که زندهای ما هم از حقوق سیاسی محرومند و هم قسمت عمده قوانین مدنی مثل (قانون ازدواج - طلاق - ارث) بر علیه آنهاست می توانند ترقی کنند تا قابلیت برای تساوی حقوق کامل پیدا نمایند یا خیر؟ یا بالعکس قبلاً باید زمینه حقوقی حاضر باشد تا بتوانند ترقی کافی نمایند.

ما کاملاً با آنها تکیه و وظیفه اصلی زن را مادری میدانند موافقیم و اساساً طرفداران نهضت زنان بهمین عقیده هستند. این است که ملهم نهضت بانوان در ترکیه پیشوای بزرگ این ملت اتاتورک میگوید «بالاخر از هر وظیفه اجتماعی، سیاسی و خصوصی نزد زن وظیفه مادری است» او عقیده دارد که نهضت حقوقی لازم است برای اینکه زن بتواند این وظیفه را کاملاً انجام دهد. در ظرف چند سال بین سالهای ۱۹۲۶-۱۹۳۵ بتدریج حقوق مدنی و سیاسی نصیب زنان ترک گردید. دولت ترکیه کاملاً ثابت کرد که قوانین اساسی مملکتی باید وضع زن را در جامعه و خانواده پایدار سازد تا او بتواند وظیفه طبیعی خود را انجام دهد. حال باید دید حالت کنونی زن در ایران چیست؟ در میدان سیاسی صفر است، در زندگی اجتماعی و اقتصادی غیرقابل ملاحظه است. در خانواده چه بگوئیم؟ شوهر میتواند هر وقتیکه میل کند بوسیله قانون یکطرفی که صد درصد بنفع اوست زن خود را رها کند. حقوق مادری؟ در موقع طلاق مادر میتواند بچه های خود را پسر تا دوسالگی و دختر تا هفت سالگی نزد خود نگه دارد و بعد از این پدر حق دارد بچه ها را از دست مادر بگیرد و حتی در وصیت نامه تربیت

آنهارا بشخص دیگر واگذار حتی باوجودیکه مادر آنها هم زنده باشد. از شما میپرسم آیا ممکن است با این شرایط زن وظیفه مادری خود را کاملاً انجام دهد؟ اگر حقیقه^۱ میل دارند که زن ایرانی وظیفه خود را انجام دهد باید حقوقی را باو عطا کنند که این وظایف را امکان پذیر نماید.

تساوی حقوق در ازدواج و طلاق اولین امری است که مازنان از مجلس

شورای ملی و از دولت و اجتماع خود مطالبیم! تا بحال گوش ما را با ملامت بعدم انجام وظایف و ذکر وظایف طبیعی زن پر کردند اما هر وقت ما راجع بحقوق خود سخن میگوئیم گوش زمامداران ما کر میشود. همانطور که گفتیم و باز تکرار میکنم «آنجا که حق وجود ندارد وظیفه هم نیست» مگر اینکه آقایان طرفدار اصول «ویکونت دو بنالد»^(۱) باشند که در کتاب معروف خود رسالات راجع بدولت^(۲) این اصول را معرفی میکند: «در يك جامعه حقوق نیست و فقط وظایف وجود دارد.» اما از ۱۷۹۲ تاریخ چاپ این کتاب جامعه جدید این اصول را کاملاً رد کرده است و راههای دموکراسی و آزادی پیموده است. خلاصه برای آنکه زن ایرانی بتواند حقیقه^۱ ترقی کند باید هرچه مانع این ترقی باشد از بین برداشته شود. در درجه اول باید قوانین را اصلاح کرد خاصه قوانین مدنی که بضرر زن میباشد و همچنین باید در اجرای قوانین تعلیمات اجباری کوشش نمود بالخصوص نسبت بدختران زیرا مطابق آمار رسمی از ۱۰۰ نفر که تصدیق دبستان میگیرند ۶۰ تن پسر و فقط ۴۰ تن دختر هستند و بین اکابر زنان بیسواد از مردان بیسواد خیلی بیشترند. همچنین باید راه فعالیت اجتماعی و سیاسی برای زنهای تحصیل کرده باز شود این پیشقدمان زنان اگر در مجلس هم باشند بیش از و کلای مرد بمسائل تربیتی و بعضی از مسائل اجتماعی مانند بهداشت دقت خواهند کرد و در هر صورت آنها بهتر از مردان از هر نوع عکس العملی که برضد زنان تولید شود جلو گیری خواهند کرد. پس مادست کم حق انتخاب و انتخاب شدن برای زنان با سواد را مطالبیم در حالیکه از روی راستی هیچ فرقی در سطح فرهنگی بین يك مرد بیسواد و يك زن بیسواد قائل نیستیم و دلیلی پیدا نمیکنیم که يك زن بیسواد نتواند مثل يك مرد بیسواد از حق انتخاباتی خود بهره برد.

(۱) Essai sur le Pouvoir (1) Vicomte de Bonald